

۱۹۸۸-۱۹۹۱

مانه لیلیا عزیز

نایدات که مسافر از شهر و تروسی بود، در گونم کرد. در آنجا که "آهسته آهسته" پیوسته سرور زنی
و تدریس می گوید وقتی صحبت و دولت در سخن در میان باشد، هم نجیب ببرد
و هم نجیب. تو در برابر آن هم سخن و طعنان من با او آراش زیباست یا سخن تو عشقی
زند با بستی مانه!

از لیلیا عزیز
هم آواز تو را می شنوم

و اما در رابطه با کار بسیار سوختم که انجام می دهم یعنی تدکیر از نو سگه
سایران دور از وطن. این ماستی به آن نوشته از عهدیان است که در لندن گفت آن
عین گفته ام را بر آن می کشم (که نوشته های خارج از ایران یا باید آثار بسیار برجسته امی
بیدارند یا قلم را کنار بگذارند. که با این گفته موافق نبودم و قسم لا می کنم این هم
این تلم یا شاک را بچیدارند یا به کار نیستند! به هر حال گوئیم که در حال حاضر آثار
سایران خارج از ایران یعنی ایرانیان دور از وطن، ممکن است بجا آورده است
که اندک موفق با بستی. نشانی سایدس کرد آن و قهر زنی را خوانده است از آنجا که زنی
به ایران برگشته است و برابر آنجا که در آنجا می گفتم فرستادم تا سوختم را بنویسد. در آنجا
مدون کتاب یکی عنایت مانه است که تو در خانه من با او است شکی گفت سوختم
را برایت بفرستد. یا تو موافق که "تربون فردی" چیز خوبی نیست در میان هم کارها
که لحظه مگر ما نمی آیم عنوان کتاب "از جدات" که به ما یاد خط و کتابت (بودن
"تجارت ما کند" و زنی آن "سایران جدا از ایران" ما خبری نیست به این که هر صفا
سایه سر زنی و بیستانه بودش مبارک.

این کتاب در دسترس
Grovplan 8
65343 Karlstad
Sweden

در آنجا مانه این سوختم است در مارک لاله تهران که با او شکی لندن
گفت و گوئی در آنجا و سوختم را از خواننده ای! آن حدیث خود نفهم است
از ایران برگشته و مرا گفت که گنجه کرده است که حتی ممکن است مرا می خوانم
به لوتن بدیم و الا آن رو بروی من نشسته است. به هر حال خوش بود
که سخن مان را دیدی و ما بهی با سر بنیدر یک شعر تمجیدی آید...
مقدار از سوختم در ده ساله اخیر که خوانده ام می خرم هر کدام را خواند
چاپ کن، آنها به من بنویس کدام را برگزیده ام من سوختم را با زنت
را که شرح زندگی ام است هر چند از لحاظ حجم بلند است اما در رابطه با سوختم
میدارند فرستادم. اگر خواهی چاپ کنن زیرا نظر تو برام از سوختم است دوست
عزله

بازگشت
رفع می آید رود
در از رود
در پاره اول
از صفی رسید
رفع در مان
اند در
بر شاه مصمم
واقف